

پوشاک محلی اقوام ایرانی

مؤلف: رامونا محمدی

فناسه	:	محمدي، رامونا، ۱۳۶۰ -
ن و نام پديدآور	:	پوشاك محلي اقوام ايراني/ مولف رامونا محمدي.
صنات نشر	:	تهران: رامونا محمدي، ۱۳۹۶.
صنات ظاهري	:	۳۱۶ص: مصور رنگي.
ف	:	۹-۹۰۶۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸ : ۷۰۰۰۰ تومان
ميت فهرست نويسي	:	فيپا
شت	:	کتابنامه.
سوع	:	پوشاك محلي -- ايران
سوع	:	Costume, Local -- Iran*
سوع	:	پوشاك زنانه-- ايران
سوع	:	Women's clothing-- Iran
سوع	:	پوشاك مردانه -- ايران
سوع	:	Men's clothing -- Iran
سوع	:	پوشاك -- ايران
سوع	:	Clothing and dress -- Iran
بندی کنگره	:	GT۱۴۲۰/۳۳پ ۱۳۹۶
بندی ديويي	:	۳۹۱/۰۰۹۵۵
ره کتابشناسي ملي	:	۴۹۶۲۴۳۵

پوشاك محلي اقوام ايراني

ب : رامونا محمدي

: مولف

م جلد: محمد انصاري

ن چاپ: اول/ پاييز ۱۳۹۶

: ۱۰۰۰ نسخه

ی: ۹-۹۰۶۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

ت : ۷۰۰۰۰ تومان

ره تماس: ۰۹۳۵۱۱۹۴۸۵۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	مقدمه
۱۸	مهمترین عناصر شکلگیری و تحول لباس
۲۰	پوشاک محلی مردمان ایران زمین
۲۱	سرپند زنان اقوام ایرانی
۲۲	نقش و اهمیت لباسهای بومی و سنتی ایران
۲۴	مهمترین عناصر شکلگیری و تحول پوشاک محلی
۲۷	پوشاک ساکنان خراسان
۲۷	پوشاک کردهای شمال خراسان
۲۷	پوشاک زنان کرد شمال خراسان
۲۷	۱. پوشش سر
۲۸	۲. پیراهن
۲۹	۳. جلیقه، جالیزقه (Jalizghe)
۲۹	۴. شلیته، پاچه گراس
۲۹	۵. مچ بند
۲۹	۶. جوراب
۲۹	۷. کفش
۳۰	پوشاک مردان کرد شمال خراسان
۳۰	۱. کلاه
۳۰	۲. پیراهن
۳۰	۳. شلوار
۳۱	۴. شال کمر
۳۱	۵. دستمال گردن
۳۱	۶. مچ بند
۳۱	۷. قبا
۳۱	۸. پوستین
۳۱	۹. جوراب
۳۲	۱۰. پایتابه، پتاوه
۳۲	۱۱. کفش
۴۱	پوشاک کردهای شمال شرقی خراسان (کللات نادر)
۴۱	پوشاک زنان کرد شمال شرقی خراسان
۴۱	۱. پوشش سر
۴۴	۲. پیراهن

۳. کُلاجه (Kolaje) ۴۱
۴. بهاره ۴۱
۵. بازوبند، دستینه، زنجیر، زندیج ۴۵
۶. پاچه ۴۵
۷. جوراب، گُرا (Gora)، گُر (Gor) ۴۶
۸. کفش ۴۶
- پوشاک مردان کرد شمال شرقی خراسان ۴۶
۱. سرپند ۴۶
۲. پیراهن، گراس ۴۸
۳. قبا، دُن ۴۸
۴. جلقه (Jelege)، جالیزقه ۴۸
۵. شلوار، تُمان (Tomman) ۴۸
۶. جوراب، گُرک (Gorek) ۴۸
۷. پیتاو (Pytav) ۴۸
۸. ماش پیچ، میچ پیچ ۴۹
۹. چوخا (Chukha) ۴۹
۱۰. خلک (Khelek)، خمینه (Khamine)، خالیک (Khamine) ۴۹
۱۱. بند ۴۹
۱۲. کفش ۴۹
- پوشاک ساکنان مرزنشین شرق خراسان ۶۳
- پوشاک زنان شرق خراسان ۶۳
۱. سرپند ۶۳
۲. پیراهن ۶۳
۳. شلوار، تمبون (Tembon)، جومه (Jume) ۶۴
۴. جلیقه، واسکت (Vaskat) ۶۴
۵. یل ۶۴
۶. جوراب، جرب (Jereb) ۶۴
۷. کفش ۶۴
- پوشاک مردان شرق خراسان ۶۵
۱. سرپند ۶۵
۲. پیراهن ۶۷
۳. تمبون (Tembon) ۶۷
۴. سارق، قتیغه ۶۷
۵. اُسکت (oskot) ۶۷
۶. کت ۶۷
۷. نمود اومال ۶۸

۸. نمده کره ۶۸
۹. خمیه ۶۸
۱۰. پتک ۶۸
۱۱. پای تابه ۶۸
۱۲. کفش، پوزار (Pozar) ۶۸

۷۵ پوشاک ترکمن‌ها

- پوشاک زنان ترکمن ۷۵
۱. سرپند ۷۵
۲. پیراهن، کوینک ۷۹
۳. شلوار، بالاق (Balagh) ۸۱
۴. قبا، دُن (Don) ۸۱
۵. چاکمن (Chakman) ۸۲
۶. شاپوت (Shavet)، چاپوت (Chavet)، چابیت (Chabit) ۸۲
۷. کُرتِه (Korte) ۸۳
۸. چُرپی (Cherpy)، سُرپی (Seapy) ۸۳
۹. چارود، جبه ۸۴
۱۰. قوشان (Ghoshagh)، کمرپند ۸۴
۱۱. جوراب، آباق قاب ۸۴
۱۲. کفش، کُش ۸۴
- لباس مردان ترکمن ۸۵

۱. سرپند ۸۵
۲. کوینک، گراس (Gras) ۸۷
۳. دُن، قبا ۸۷
۴. جولبار (Jol bar) و بالاق (Balagh) ۸۷
۵. چاپال ۸۹
۶. کوزت بیچیم (Kozet Bichim)، چابیت ۸۹
۷. چاکمن (Chakmen) ۸۹
۸. پوستین، ایچمک (Ichmek) ۸۹
۹. یفنجه (Yafanje)، یاپینجا (Yapinja) ۹۰
۱۰. شال کمر، قوشاق، تیرمه شال ۹۰
۱۱. جوراب، آباق قاب ۹۰
۱۲. بالاق چک، دولاق، پای تابه ۹۱
۱۳. کفش ۹۱

۱۰۵ پوشاک در استان گلستان (ترک های قزلباش شهر رامیان)

- پوشاک زنان قزلباش رامیان ۱۰۵

۱. پوشش سر ۱۰۵
۲. پیراهن، کوبینک ۱۰۶
۳. دامن پرچین، تنبان ۱۰۷
۴. چادرشعب، چارشو ۱۰۷
۵. کلیجه و بهاره ۱۰۷
۶. جوراب ۱۰۷
۷. کفش ۱۰۷
- پوشاک مردان قزلباش رامیان ۱۰۸

پوشاک در استان سمنان (منطقه مهدیشهر یا سنگسر سابق) ۱۱۳

پوشاک زنان سنگسر ۱۱۳

۱. پوشش سر ۱۱۳
۲. پوشش تن ۱۱۶
۳. دامن پرچین، شلووار، شلیته، فراخ شده، قردار شوال ۱۱۷
۳. شلووارک ۱۱۸
۴. کت ۱۱۸
۵. جوراب ۱۱۸
۶. کفش ۱۱۸

پوشاک مردان سنگسر ۱۱۹

۱. کلاه، کلاف، پش کلاف ۱۱۹
۲. پیراهن، شوی ۱۱۹
۳. کت و شلووار ۱۱۹
۴. چوخا، لم چغا ۱۲۰
۵. پای پیچ، پیچ ۱۲۰
۶. پای ناوه، پتوه ۱۲۰
۷. شال کمر ۱۲۰
۸. دستکش ۱۲۱
۹. کفش ۱۲۱

پوشاک ساکنان جنوب دریای خزر ۱۳۱

پوشاک عمومی بانوان ساکن جنوب دریای خزر ۱۳۱

۱. پوشش سر ۱۳۱
۲. پیراهن ۱۳۱
۳. شلیته و تنبان ۱۳۲
۴. شلووار ۱۳۲
۵. جلیقه ۱۳۲
۶. کت ۱۳۲

۱۳۲	۷. چادر
۱۳۳	۸. جوراب
۱۳۳	۹. کفش
۱۳۳	پوشاک عمومی مردان ساکن جنوب دریای خزر
۱۳۳	۱. کلاه
۱۳۳	۲. پیراهن، جومه، جامه
۱۳۴	۳. شلوار، تمان، پشمبال
۱۳۴	۴. نیمتنه
۱۳۴	۵. جلیقه
۱۳۴	۶. کت، چوخا
۱۳۴	۷. شولا
۱۳۴	۸. کردک
۱۳۵	۹. علیجه، سرداری
۱۳۵	۱۰. پسنک
۱۳۵	۱۱. پوشلوق
۱۳۵	۱۲. شال کمر
۱۳۵	۱۳. پتاوه
۱۳۵	۱۴. جوراب
۱۳۵	۱۵. کفش

پوشاک ساکنان کوهستان گیلان (پوشاک قاسم آبادی) ۱۴۳

۱۴۳	پوشاک زنان کوهستان‌های گیلان قاسم آبادی
۱۴۳	۱. پوشش سر
۱۴۳	۲. پیراهن
۱۴۴	۳. تنبان، شلیته بلند، تمیون قملی، شلیته چرخ‌خ
۱۴۴	۴. زیردامنی
۱۴۴	۵. جلیقه
۱۴۵	۶. گلیجه، الیجه
۱۴۵	۷. یل
۱۴۵	۸. کت
۱۴۵	۹. چادر کمر، چادر شب
۱۴۵	۱۰. جوراب
۱۴۶	۱۱. کفش
۱۴۶	پوشاک مردان کوهستان‌های گیلان (قاسم آبادی)

پوشاک ساکنان آذربایجان ۱۵۳

پوشاک ساکنان ترک آذربایجان شرقی (شاهسونها) ۱۵۳

- پوشاک زنان ترک آذربایجان شرقی ۱۵۳
۱. سرپند ۱۵۳
 ۲. پیراهن، کونک (Koynak) ۱۵۳
 ۳. زیرپیراهن ۱۵۴
 ۴. دامن شلیتهای، تومان، تومن (Tuman) ۱۵۴
 ۵. زیردامنی ۱۵۴
 ۶. شلوار ۱۵۴
 ۷. جلیقه، جلیقه ۱۵۴
 ۸. یل، کت ۱۵۴
 ۹. کفش، باشماق ۱۵۵

پوشاک ساکنان کرد آذربایجان غربی ۱۶۱

- پوشاک زنان کرد آذربایجان غربی ۱۶۱
۱. پوشش سر ۱۶۱
 ۲. پیراهن ۱۶۲
 ۳. زیر پیراهن ۱۶۲
 ۴. شال کمر، پیشتند (Pishtend) ۱۶۲
 ۵. یل، ارخالق ۱۶۳
 ۶. کت ۱۶۳
 ۷. قبا ۱۶۳
 ۸. شلوار، شوال ۱۶۳
 ۹. کفش ۱۶۳
- پوشاک مردان کرد آذربایجان غربی ۱۶۳

پوشاک کردها ۱۶۷

پوشاک کردهای کردستان ۱۶۷

- پوشاک زنان کرد کردستان ۱۶۷
۱. پوشش سر ۱۶۷
 ۲. پیراهن، کراس ۱۶۹
 ۳. زیرپیراهن، زیرکراس ۱۷۰
 ۴. شلوار ۱۷۰
 ۵. جلیقه، سوخمه (Sokhme) ۱۷۰
 ۶. قبا، کوا ۱۷۱
 ۷. یل، کت، سلته (Salte) ۱۷۱
 ۸. شنل، کوله وانه (Kole vane)، چتفه (Chetfe)، چارک (Chark) ۱۷۱
 ۹. میچ بند یا سورانلی ۱۷۱
 ۱۰. شال کمر ۱۷۲

- ۱۷۲..... کفش ۱۲
- ۱۷۲..... پوشاک مردان کرد کردستان پوشاک

۱۷۷..... پوشاک کردهای کرمانشاه

- ۱۷۷..... پوشاک زنان کرد کرمانشاه پوشاک
- ۱۷۷..... ۱. پوشش سر پوشاک
- ۱۷۸..... ۲. پیراهن، کراس پوشاک
- ۱۷۸..... ۳. زیرپیراهن، زیر کراس، زیرشویی پوشاک
- ۱۷۸..... ۴. شلوار پوشاک
- ۱۷۸..... ۵. جافی پوشاک
- ۱۷۹..... ۶. جلیقه، سخمه پوشاک
- ۱۷۹..... ۷. یل، کت، کُلنجه (kol'nje) پوشاک
- ۱۷۹..... ۸. قبا پوشاک
- ۱۷۹..... ۹. کمرچین، سرداری پوشاک
- ۱۸۰..... ۱۰. خفتان پوشاک
- ۱۸۰..... ۱۱. روپوش، ماشه پوشاک
- ۱۸۰..... ۱۲. کفش پوشاک
- ۱۸۰..... پوشاک مردان کرد کرمانشاه پوشاک

۱۸۷..... پوشاک مردان کرد

- ۱۸۷..... ۱. پوشش سر پوشاک
- ۱۸۷..... ۲. پیراهن، کُراس پوشاک
- ۱۸۸..... ۳. شلوار، پانتول، رانک پوشاک
- ۱۸۸..... ۴. شلوار تابستانی پوشاک
- ۱۸۸..... ۵. کت پوشاک
- ۱۸۹..... ۶. پستک (Pastak) پوشاک
- ۱۸۹..... ۷. قبا پوشاک
- ۱۹۰..... ۸. آرخالق پوشاک
- ۱۹۰..... ۹. شال کمر پوشاک
- ۱۹۰..... ۱۰. مچبج، فقیانه پوشاک
- ۱۹۰..... ۱۱. فرنجی (Faranji) پوشاک
- ۱۹۰..... ۱۲. کرک پوشاک
- ۱۹۰..... ۱۳. کُوله بال پوشاک
- ۱۹۱..... ۱۴. جوراب پوشاک
- ۱۹۱..... ۱۵. کفش پوشاک

۱۹۹..... پوشاک لرها

- ۱۹۹..... پوشاک بانوان لر پوشاک

۱. پوشش سر ۱۹۹
 ۲. پیراهن ۱۹۹
 ۳. زیرپیراهن ۲۰۰
 ۴. شلوار ۲۰۰
 ۵. جلیقه ۲۰۰
 ۶. کت، یل ۲۰۰
 ۷. کُنجه ۲۰۱
 ۸. سرداری ۲۰۱
 ۹. جوراب ۲۰۱
 ۱۰. کفش ۲۰۱
- پوشاک مردان لر ۲۰۱
۱. پوشش سر ۲۰۲
 ۲. پیراهن ۲۰۲
 ۳. شلوار ۲۰۲
 ۴. سترة ۲۰۲
 ۵. شال کمر ۲۰۲
 ۶. کینک، فرجی ۲۰۳
 ۷. کفش ۲۰۳
- پوشاک بختیاری ۲۰۷
- پوشاک بانوان بختیاری ۲۰۷
۱. پوشش سر ۲۰۷
 ۲. پیراهن ۲۰۸
 ۳. تنیان، شلیته ۲۰۸
 ۴. زیرشلواری ۲۰۹
 ۵. یل، کت ۲۰۹
 ۶. چادر توری ۲۰۹
 ۷. پاپوش ۲۰۹
- پوشاک مردان بختیاری ۲۰۹
۱. کلاه ۲۰۹
 ۲. پیراهن ۲۱۰
 ۳. شلوار دَییت، تومبون ۲۱۰
 ۴. سرداری ۲۱۱
 ۵. شولای، چوفا، چوفا، چوفا ۲۱۱
 ۶. کُردین ۲۱۱
 ۷. شال کمر ۲۱۲
 ۸. کفش ۲۱۲

پوشاک کهکیلویه و بویراحمد ۲۱۹

پوشاک بانوان کهکیلویه و بویراحمد ۲۱۹

۱. پوشش سر ۲۱۹

۲. پیراهن، جومه (Jome) ۲۲۰

۳. زیرپوش، زیرپیراهن ۲۲۰

۴. شلیته، تنبان، تُمبُون (Tombon)، زرجومه (Zerjome) ۲۲۰

۵. آرخالق (Arkhalagh)، دَگ (Dalg) ۲۲۰

۶. کفش ۲۲۱

پوشاک مردان کهکیلویه و بویراحمد ۲۲۱

۱. کلاه ۲۲۱

۲. پیراهن ۲۲۱

۳. شلوار ۲۲۱

۴. لیاده ۲۲۱

۵. جُبه، جُقه (Jeghe) ۲۲۱

۶. کُردک ۲۲۲

۷. شال کمر ۲۲۲

۸. کفش ۲۲۲

پوشاک مردمان قشقای ۲۲۳

پوشاک بانوان قشقای ۲۲۳

۱. پوشش سر ۲۲۳

۲. پیراهن، جومه، کُیَنگ (Koynag) ۲۲۶

۳. زیرپیراهن ۲۲۶

۴. شلیته، تنبان ۲۲۶

۵. آرخالق، دَگ (Dalg) ۲۲۷

۶. کت، خُفتان ۲۲۷

۷. فُرجه (Forge) ۲۲۸

۸. کفش ۲۲۸

پوشاک مردان قشقای ۲۲۸

۱. کلاه ۲۲۸

۲. پیراهن ۲۲۹

۳. شلوار، تنبُون ۲۲۹

۴. آرخالق، لیاده ۲۲۹

۵. شال ۲۳۰

۶. قطار قشنگ ۲۳۰

۷. چُقه (Choghghah) ۲۳۰

۸. زنهاره ۲۳۰
۹. کُردی (Kordak)، کینک (Kapanak) ۲۳۱
۱۰. پایج ۲۳۱
۱۱. کفش ۲۳۲

پوشاک استان اصفهان ۲۴۵

پوشاک زنان در استان اصفهان ۲۴۵

۱. پوشش سر ۲۴۵
۲. تن پوش روئی، پیراهن ۲۴۸
۳. دامن ۲۵۱
۴. شلوار ۲۵۲
۵. جلیقه ۲۵۳
۶. کت ۲۵۳
۷. شال کمر ۲۵۳
۸. جوراب ۲۵۴
۹. چاقچور ۲۵۴
۱۰. کفش، پاپوش ۲۵۴

پوشاک مردان در استان اصفهان ۲۵۵

۱. پوشش سر ۲۵۵
۲. پیراهن ۲۵۶
۳. شلوار ۲۵۷
۴. جلیقه ۲۵۷
۵. کت ۲۵۷
۶. پالتو ۲۵۸
۷. آرخالق ۲۵۸
۸. فبا ۲۵۸
۹. کمر چین، سرداری ۲۵۹
۱۰. چوغا (Chugha) ۲۵۹
۱۱. عبا ۲۵۹
۱۲. تن پوش نمدی ۲۵۹
۱۳. پوستین ۲۶۰
۱۴. شال کمر ۲۶۰
۱۵. کمر بند، دوال (Daval) ۲۶۰
۱۶. دستکش ۲۶۰
۱۷. میچ بند ۲۶۰
۱۸. جوراب ۲۶۰
۱۹. ساق بند، پاگش ۲۶۱

۲۰. مج‌پیچ، دولاق، شال یا ۲۶۱

۲۱. کفش ۲۶۱

پوشاک ایبانه ۲۶۷

لباس زنان در ایبانه ۲۶۷

۱. پوشش سر ۲۶۷

۲. پیراهن ۲۶۸

۳. شلیته، شلوار ۲۶۸

۴. یل ۲۶۸

۵. جوراب ۲۶۹

۶. پاپوش ۲۶۹

لباس مردان در ایبانه ۲۶۹

۱. کلاه ۲۶۹

۲. پیراهن ۲۶۹

۳. شلوار، تمون ۲۶۹

۴. آرخالق ۲۷۰

۵. قبا ۲۷۰

۶. شال کمر ۲۷۰

۷. جوراب ۲۷۰

۸. کفش ۲۷۰

پوشاک عرب زبانها ۲۷۹

پوشاک زنان عرب ۲۷۹

۱. پوشش سر ۲۷۹

۲. پیراهن ۲۸۰

۳. زیرپیراهن، آتگ (Atag) ۲۸۱

۴. شلوار، لباس ۲۸۱

۵. کفش ۲۸۱

پوشاک مردان عرب ۲۸۱

۱. پوشش سر ۲۸۱

۲. پیراهن، دشداسه (Deshdashe) ۲۸۲

۳. عبا ۲۸۲

۴. کفش ۲۸۲

پوشاک بندریها ۲۸۵

پوشاک بانوان بندری ۲۸۵

۱. پوشش سر ۲۸۵

۲۸۹	۲. پیراهن
۲۹۱	۳. زیرپیراهن
۲۹۱	۴. شلوار
۲۹۲	۵. کفش
۲۹۴	لباس جشن و عزاداری
۲۹۴	لباس عروس
۲۹۴	پوشاک مردان بندری

۳۰۵ پوشاک بلوچ‌ها

۳۰۵	پوشاک زنان بلوچ
۳۰۵	۱. پوشش سر
۳۰۶	۲. پیراهن، جامک
۳۰۶	۳. شلوار، پاجامه، پاجامک
۳۰۷	۴. قبا
۳۰۷	۵. کفش
۳۰۷	پوشاک مردان بلوچ
۳۰۷	۱. دستار، سربند، پاک (Pak)، لنگی (Longi)
۳۰۸	۲. پیراهن، جامک (Jamak)
۳۰۸	۳. شلوار
۳۰۸	۴. جلیقه، اُسکت
۳۰۹	۵. کت
۳۰۹	۶. شال کمر، سرین بند (Sarin band)
۳۰۹	۷. پای تابه
۳۰۹	۸. کفش

مقدمه

پوشاک بارزترین سمبول فرهنگی، مهمترین و مشخص‌ترین مظهر قومی و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه‌ی فرهنگی است که به سرعت تحت‌تأثیر پدیده‌های فرهنگ‌پذیری در بین جوامع گوناگون انسانی قرار می‌گیرد. حتی عده‌ای بر این باورند که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری در وهله‌ی اول از طریق انتقال پوشاک صورت می‌گیرد و حتی می‌توان با تغییر پوشاک یک جامعه نوع معیشت و شیوه‌ی تولید آن‌ها را نیز دچار دگرگونی کرده و تحولاتی در ساختار زندگی اجتماعی آن‌ها ایجاد نمود. تاریخ لباس بخشی از تاریخ تمدن است که در آن تحولات شکل و فرم لباس از قدیمی‌ترین ایام تا زمان حاضر مورد بررسی، مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد و علل به وجود آمدن یا از بین رفتن فرم و شکل پوشاک را که در دوران‌های مختلف تاریخ متداول بوده را، روشن می‌کند؛ چرا که این تحولات با دیگر تحولات تاریخی، اجتماعی و معیشتی مردم ارتباط مستقیم داشته است. پوشیدن لباس، یک لازمه‌ی زندگی است و هر فردی دوست دارد، ظاهر خود را به بهترین و خوشایندترین شکل ممکن به دیگران عرضه نمایند. به همین جهت، پوشاک را با رنگ و طرحی هنرمندانه، زیبا، هماهنگ و هم‌سان با محیط و شرایط طبیعی و جغرافیایی خود اختراع نموده و استفاده می‌نماید؛ در نتیجه پوشش رفته‌رفته یکی از امتیازات بشر نسبت به حیوانات گردید و سیر تکاملی تمدن بشری، تکامل پوشاک همراه شد.

لباس با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های، که دارد یکی از نمونه‌های عینی و مجسم فرهنگ هر جامعه است و به عبارت دیگر همواره بخشی از فرهنگ هر جامعه در لباس‌های آن قوم و ملت نهفته است که نشانه‌ای از پایداری، علاقه و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و هویت فرهنگی‌شان می‌باشد. انسان‌های نخستین برای حفظ بدن خود از سرما و گرما و به طور کلی شرایط جوی از تکه‌های پوست حیوانات و برگ درختان یعنی با بهره‌گیری از امکانات محیط اطراف بدون ایجاد تغییر در آن‌ها، پوششی برای خود فراهم می‌کردند و این مرحله‌ای بود که تنها جنبه‌ی حفاظتی پوشاک مورد توجه بود. بعدها با سیر تکاملی زندگی انسان، جنبه‌های دیگری به غیر از پوشش صرفاً برای حفظ بدن انسان‌ها قرار گرفت. جنبه‌هایی مانند زیبایی، تناسب لباس با شرایط جغرافیایی، زیستی و شئون اجتماعی افراد. در این مرحله ذهن انسان در جهت استفاده‌ی بهتر از مواد اولیه، به‌کار افتاد و حرکتی در جهت تکامل لباس آغاز شد و پا فراتر از رفع نیازهای ابتدایی بشر گذاشت. در واقع سیر تاریخ و تحولات پوشاک از همین زمان، یعنی زمانی که انسان به پوشاک به‌عنوان یک جنبه از زندگی خود اندیشید، شروع شد.

انگیزه‌ی پدید آمدن پوشاک و اختراع جامه، ناشی از نیاز آدمی به دفاع تن خود در برابر عوارض طبیعی، به ویژه سرما و گرما بوده است. اما همان‌سان که هر وسیله‌ی زندگی، هنگامی که پا از عرصه‌ی رفع نیازهای ابتدایی و اولیه هر شخص بیرون گذارد، حالت تقنن به خود می‌گیرد و در طول زمان از شکل اولیه و ساده خود خارج شده و وسیله هنرنمایی و ابراز سلیقه می‌گردد، تن‌پوش آدمیان نیز بر اثر گذشت زمان، اقلیم و محیط زیست، درجه تمدن و فرهنگ، عقاید مذهبی و آداب و رسوم، دست‌خوش دگرگونی‌های بی‌شماری شده که عوامل اجتماعی، اقتصادی و ارتباطی، و به ویژه سلیقه و ابتکار پوشندگان، در تکامل و تنوع آن سهم به‌سزایی داشته است. لباسی که امروز می‌پوشیم فرآورده ذوق، سلیقه و خلاقیت طراحان و سازندگان و تولیدکنندگانی است که با شناخت از مردم جوامع خویش و هماهنگ با حالات و روحیات آنان دست به تولید پوشاک می‌زنند. تاریخ لباس، همچون تاریخ سیاسی و فرهنگی هر جامعه بازتابی از باورهای مذهبی، اندیشه‌های ملی و سنتی، شیوه‌های زندگی، آداب اجتماعی و توان اقتصادی است که در شکلی کاملاً فرهنگی و هنری بروز می‌کند. از این‌رو شناسایی

تحولات لباس هر قوم و ملتی موجب آشنایی با کلیه عوامل ذکر شده است. به طور قطع لباس صرفاً در نتیجه ذوق و حس زیبایی دوستی و تجمل پرستی بشر حادث نشده، بلکه عوامل مهمی وجود داشته که حس زیبایی دوستی بشر را در راه تحول لباس و تغییر شکل دادن آن کمک کرده است.

پیش از آنکه خصوصیات پوشاک اقوام مختلف ساکن در ایران را مورد بررسی قرار دهیم، لازم است به ذکر عوامل موثر در فرم پوشاک اشاره‌ای مختصر داشته باشیم.

مهمترین عناصر شکل گیری و تحول لباس

۱. آب و هوا و شرایط اقلیمی و اجتماعی

یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده در تغییر و تحول لباس، که بیش از هر عاملی در تغییر لباس و تحول آن تاثیر داشته، آب و هوا می باشد. لباس برای به شاندن بدن از سرما و گرماست و آب و هوا یک عامل تعیین کننده در جنس و شکل لباس محسوب می شود، به طوری که سرما، گرما و هوای معتدل هر یک پوشش ویژه‌ای را می طلبند؛ به عنوان مثال در مناطق سردسیر از پارچه‌های پشمی، ابریشمی و لباس‌های گرم از پوست و چرم حیوانات با رنگ‌های تیره و در مناطق گرمسیر از پارچه‌های کتان و پنبه‌ای با رنگ‌های روشن استفاده می‌کنند. کوتاه و یقه‌های باز، برای تهیه لباس استفاده می‌شود و بدین ترتیب هر قومی مناسب با شرایط اقلیمی خویش پوششی را برای خود انتخاب کرده و براساس همان شرایط تحولاتی در لباس خویش پدید آورده است.

۲. جنسیت

بنا بر طبیعت انسان و خصوصیات جسمانی وی بدن مرده با زن‌ها متفاوت است. به همین دلیل در شرایط گوناگون تن پوششان نیز با هم متفاوت خواهد بود؛ به طور مثال، در دشت و بیابان‌ها مردها هنگام دامداری، چون مسافت زیادی را طی می‌کنند تا به چراگاه برسند، در شب‌های سرد یک نوع بالاپوش نم‌دین را به تن می‌کنند که همانند خیمه‌ای چوبان را در پناه خود حفظ می‌نماید، در حالی که پوشیدن این گونه لباس در میان زنان رایج نمی‌باشد.

۳. سن

سن انسان در طرز پوشش او تاثیر بسزایی دارد، به طوری که از کودکی تا زمان پیری انسان متناسب با سن خود لباس می‌پوشد و کاربرد رنگ و فرم در شکل آن تاثیر بسزایی دارد؛ به عنوان مثال لباس کودکان به خاطر لطافت و حساسیت پوستشان از پارچه‌های نخی و طبیعی و نرم، لباس نوجوانان از پارچه‌هایی به رنگ‌های شاد و لباس کهن سالان از پارچه‌هایی به رنگ‌های تیره و با لطافت کمتری تهیه می‌گردد.

۴. ذوق و حس زیبایی دوستی

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار در لباس و تحولات آن که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی نمود، ذوق و حس زیبایی دوستی و تنوع طلبی و تجمل خواهی بشر است، که موجب گردیده تا علاوه بر نقشی که سرما، گرما و شرایط آب و هوایی در پیدایش و تحولات لباس داشته‌اند، حس زیبایی دوستی نیز موجب پیدایش هزاران طرح زیبا شود و لباس را به وسیله‌ای برای زینت، تشدید ارتباط جنسی یا جلوگیری از آن و حس برتری انسان و ... مبدل کرده و انسان را وادار به تبعیت از طرح‌های روز و تغییر در شکل لباس نماید.

۵. جهان‌بینی و اعتقادات مذهبی

یکی دیگر از جنبه‌های مهم در تغییر و تحول و عوامل تاثیرگذار در فرم لباس، جهان‌بینی و اعتقادات مذهبی یک ملت است. دین و اعتقادات مذهبی هم یکی از اصولی است که گروهی را با اعتقادات و پوشش خاص، شکل داده و به دور هم جمع می‌نماید. این گروه‌های متشکل براساس پیوندهای دینی ملزم به رعایت اصولی خاص هستند که در فرم، شکل و حتی رنگ پوشاکشان تاثیر می‌گذارد؛ همچنان که لباس عبادت در مذاهب گوناگون متفاوت است. از طرفی با پیدایش ادیان الهی تغییراتی اساسی در پوشاک زنان و مردان نیز پدید آمده؛ چنان‌که با پیدایش دین اسلام، مسلمانان لباس‌هایی ساده انتخاب کرده، تجمل را کنار گذاشته و زنان با پوششی کامل از نامحرم رو گرفتند.

۶. اعتقادات و آداب و رسوم

نقوش و تزئیناتی که در لباس به کار می‌رود نیز مبین مجموعه اعتقادات و آداب و رسوم مردم مناطق مختلف جهان است؛ به‌طوری‌که در جوامع سرخ‌رستان استفاده از سربندهایی با پر پرندگان (چون عقاب، شاهین و باز) نمادی از قدرت، استواری، مقاومت و شجاعت است. ایران زمین نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در هر منطقه‌ای کاربرد نقش و تزئینات روی اجزای مختلف لباس متفاوت است؛ به‌طوری‌که در اکثر روستاها به دلیل نقش و محوریتی که دامداری و کشاورزی در زندگی و فعالیت مردم دارد، از نقوشی چون شتر، گاو، قوچ با اشکال و طرح‌های مختلف در اکثر دست‌بافته‌ها و پارچه‌ها و روی لباس‌ها استفاده می‌شود که بسیاری از باستان‌شناسان از تفسیر این نقوش به اصول اصلی زندگی گذشتگان پی برده‌اند. در این بین کاربرد رنگ نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. هر رنگ را با معنای خاص خود و برای نشانه‌گذاری استفاده می‌نمایند؛ به عنوان مثال رنگ سبز، مشخصه‌ی سادات و بازرگانان پیا بر است و یا رنگ سیاه، مخصوص لباس عزا و یا رنگ سفید مخصوص عروس می‌باشد.

۷. شغل و موقعیت اجتماعی

بدیهی است که انسان برای آن‌که لباسش دست‌وپاگیر نباشد، در بسته‌های گوناگون از لباس‌هایی استفاده می‌کند که با شغل او مناسبت داشته باشند، به همین دلیل برخی افراد براساس جایگاه اجتماعی و شغل خود دارای پوشش‌هایی متمایز از دیگران هستند. این امر از دیر باز تاکنون و در بین جوامع مختلف رعایت شده و شغل‌های انجام امور محوله می‌باشد. از طرفی جنس و زیبایی لباس به پوشنده‌ی آن نیز اعتبار و ارزش می‌بخشد و هر طور که لباس پوشیده شود، به همان نسبت شخص مورد احترام و توجه دیگران قرار می‌گیرد.

۸. پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی

پیدایش صنایع ریستندگی و بافندگی و بسیاری از صنایع که در خدمت تهیه، ساخت و تولید پوشاک بودند، سبب شد که پارچه‌هایی با کیفیت بالا، قابل شستشو، زیبا، ضد چروک و بسیاری لباس‌های متنوع و جذاب تولید شوند. همچنین پیدایش ماشین‌هایی که انواع ضمایم لباس چون دکمه، زیپ، نوار، روبان و ... را عرضه می‌کنند، خود تحول عظیمی را در تولید لباس ایجاد نموده است.

۹. شرایط تاریخی، جنگ‌ها، تحولات آن و التقاط فرهنگی

یکی از برجسته‌ترین عوامل تغییر و تحول پوشاک مردم جهان التقاط و آمیزش فرهنگ‌ها می‌باشد، که براساس عوامل و نیروهایی چون جنگ‌ها، ارتباطات مرزی، وصلت‌های قومی، مراوده‌های فرهنگی و سیاسی و ... شکل می‌گیرد. جنگ‌ها نیز از

جمله عواملی هستند که به شدت در نحوه‌ی زندگی و معیشت مردم، حتی در هنر و صنعت و طرز لباس پوشیدن آن‌ها، نقش موثری را بر عهده داشته و به سبب گستردگی و قدرت این نیرو، یکی از مهم‌ترین و موثرترین عوامل تغییر لباس در طول تاریخ بوده‌اند.

پوشاک محلی مردمان ایران زمین

گروه‌های متفاوت انسانی که در مناطق مختلف ایران زندگی می‌کنند، هر کدام دارای ویژگی‌های قومی برجسته‌ای هستند و تحت عوامل گوناگون منطقه‌ای تن‌پوش ویژه‌ای به تن دارند که در همان نگاه نخست قومیت، حوزه‌ی زندگی، زبان و سایر مشخصات فرهنگی و حتی مذهب و شغل اصلی آنان را در ذهن بیننده تداعی می‌کند. با توجه به نمای کلی پوشاک در عصر حاضر مردم ایل‌ها، چادر نشینان و روستائیان کشور ما دارای چندین گونه پوشاک هستند، که از لحاظ شکل و ظاهر عمومی مشخص و شناخته شده است. شناخته‌شده‌ترین این اقوام عبارتند از: کردها، ترک‌ها، لر‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌زبانان، بندری‌ها، گیلک‌ها و مازندرانی‌ها هستند و بر همین زمینه و اصل، در نجد ایران نیز انواع و اقسام پوشاک به وجود آمده است که در کمتر سرزمینی این چنین تنوع زیادی در پوشاک دیده می‌شود.

لباس‌های بومی که هم اکنون در استان‌های مختلف ایران پوشیده می‌شوند، هر کدام مقداری از خصوصیات لباس‌های تاریخی و اصیل ایرانی را در خود حفظ کرده‌اند و هم اکنون کشور ما با داشتن بیش از بیست نوع پوشاک مردان و زنان، دارای سرمایه‌ای کهن و کم نظیر در زمینه‌ی تن‌پوش می‌باشد. از طرفی تن‌پوش کلی و عمومی به پهنه‌ی این سرزمین، که از نظر تنوع پوشاک به یک سالن مد جهانی شبیه است، روشن می‌کند که مردمان این سرزمین تا چه حد سلیقه نشان داده و برای جلوه‌ی بیشتر پوشاک خود، آن را آراسته و بر اصل آن افزوده‌اند و در واقع این را می‌توان به یک موزه‌ی بزرگ پوشاک شبیه دانست که ساکنینش در زندگی روزانه خود پوشاک محلی‌شان را عرضه می‌کنند.

از طرفی لازم است به این نکته نیز اشاره شود که ما در این موزه‌ی بزرگ پوشاک محلی و سنتی ایرانی، تنها لباس‌های متنوع و زیبا و مجلل را شاهد نیستیم، بلکه دنیایی از زیورآلات زیبا را می‌بینیم که ربات‌بخش این لباس‌ها هستند و از همین جهت است که در سراسر ایران زنی را نمی‌توان یافت که فاقد این زیورآلات باشد. ضمناً همان‌طور که گفته شد پوشاک در هر منطقه‌ای زمینه‌ی بسیار مناسبی جهت تاثیر و تاثر فرهنگی به حساب می‌آید. لذا پوشاک مردمان هر منطقه‌ای در ایران تا حد زیادی متأثر از نشانه‌های فرهنگی اقوام و ملل هم‌جوارشان و حتی پوشاک ساکنان کشورهای همسایه و مردمانی است که به دلایل گوناگون در این ناحیه مستقر بوده‌اند؛ بنابراین پوشاک یکی از نشانه‌های بارز فرهنگی است که همواره در معرض این تغییر و تحولات قرار دارد.

به طور کلی آنچه در تمام این پوشاک‌های زیبا، متنوع و اصیل محلی و سنتی ایرانی مشترک و چشم‌گیر می‌باشد، این است که زنان روستایی و ده‌نشین، به خصوص زنان ایلات و عشایر ایران، بنابر ذوق و روح زیبایند خود و برای ایجاد تنوع و خوش‌آیندی در اقلیم‌های خشک و یکنواخت دشت‌ها و بیابان‌ها و یا در سرزمین‌های سبز و خرم و به جهت تطابق خود با محیط، در انتخاب شکل و رنگ پارچه، جامه‌هایی به رنگ‌های شاد و با ترکیب رنگ‌های زیبا و دل‌نواز انتخاب می‌نمایند و برای ابراز و نمایش شکوه و ثروت خود جامه‌های فراخ فراوان به روی هم می‌پوشند و نوارهای زرین و سیمین و سکه‌های پول به روی آن‌ها می‌دوزند.

سربند زنان اقوام ایرانی

در بررسی اجزای سربند سنتی زنان اقوام ایرانی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد؛ به طور مثال سربند زنان کرد و لُر و یا سربند زنان طالش و زنان ایل شاهسون علاوه بر تفاوت‌های موجود شباهت‌های بسیاری نیز با هم دارند. در این راستا برخی از قومیت‌ها، عنصری خاص را از اقوام مجاور خود گرفته و پس از سازگار نمودن با فرهنگ و سلیقه‌ی خاص خود آن را مورد بهره‌برداری قرار دادند؛ به عنوان مثال روسری کلاغی در سربند زنان قشقایی، برخلاف سایر اقوام که آن را برای محکم نمودن چارقد استفاده می‌کنند، در سربند قوم قشقایی برای تکمیل پوشش بر روی لیچک به سر بسته می‌شود و جهت استوار نمودن آن بر سر، از سنجاق‌های مختلف استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که عمده‌ی شباهت‌ها، در سربند زنان ایران شامل حوزه‌های شمال، غرب و شمال‌غربی ایران است و پوشاک و سربند زنان در این نواحی، از نظر شکل و ظاهر دارای تفاوت فاحشی با سربند زنان نواحی جنوب و جنوب‌شرقی ایران می‌باشد. به طوری که زنان در نواحی جنوب و جنوب‌شرقی ایران، برخلاف نواحی دیگر ایران، سربندها را آزاد و رها و بدون محکم کردن توسط گره یا سنجاق یا کلاغی به سر می‌اندازند.

حال، با توجه به مطالب ارائه شده، نکات مهمی در ترکیب سربندهای محلی و مطالعه‌ی این جزء پوشش باید مورد توجه قرار گیرد که به شرح زیر می‌باشند:

۱. استفاده از سکه در سربند

نکته‌ای قابل توجه در تزئین سربندهای زنان، که در این بخش در بین اقوام ایرانی مشترک است، استفاده از سکه‌های رایج برای آراستن برخی از اجزای سربند و حتی پوشاک است. از آنجایی که در گذشته اغلب، اقوام مورد هجوم یا دستبرد اقوام همجوار خود بودند، چنین استنباط می‌شود که یکی از راه‌های حفظ تدینگی‌های خانواده، به صورت سکه‌های تزئینی و زیورآلات به کار رفته در پوشاک و هم‌چنین در سربند زنان باشد؛ که در مواقع حمله را حتی قابل جابه‌جایی و نجات آن از گزند دستبردها بوده و در هنگام نیاز نیز مورد استفاده و مصرف قرار می‌گرفته است.

۲. گره در سربند

استفاده از گره در سربند، بین تعدادی از اقوام ایران، رواج دارد؛ کردها، لُر‌ها، ساکنان شبه‌ی دریای خزر، بختیاری‌ها، خراسانی‌ها و قشقایی‌ها هر کدام گره را به نحوی در سربند خود به کار می‌برند. در برخی از سربندها، گره نقش محکم کننده و در برخی دیگر نقش آرایه را دارد. زنان گاه گره‌های بزرگی در بالای سربند می‌بندند و گاه نیز آن را بر روی سایر اجزای سربند و در پشت سر قرار می‌دهند. نکته‌ی قابل توجه در این باره، همجوار بودن اقوامی است که گره در سربند آن‌ها مشاهده می‌شود که شامل مناطق شمال شرقی، شمال، شمال غربی و غرب کشور است.

۳. پوشاندن دهان

در میان برخی از اقوام ایرانی پوشاندن دهان، چانه و گاه بینی در بین زنان متداول است. این اقوام شامل کردهای خراسان و خراسانی‌ها، ترکمن‌ها و شاهسون‌ها می‌باشد. این رسم بیشتر در میان اقوام ترک رواج داشته و در اقوام آریایی مانند کردها، لُر‌ها، بلوچ‌ها، جنوبی‌ها و ... به هیچ وجه مشاهده نشده است و چنین به نظر می‌رسد که اقوام آریایی مانند کردهای خراسان و نیز خراسانی‌ها که این شیوه‌ی پوشش در میان آن‌ها نیز رواج دارد، مطمئناً تحت تأثیر اقوام ترک مجاور خود (چون ترکمن‌ها) بوده‌اند.

۴. آرایش گیسوان

اغلب زنان در اقوام ایرانی، بخشی از گیسوان را با آرایش خاصی بیرون از سربند قرار می‌دهند، این بخش اغلب اختصاص به قسمت جلوی گیسوان دارد. با توجه به مسلمان بودن اقوام معاصر ساکن در ایران، چنین به نظر می‌رسد که این رسم، ریشه در سنت‌های گذشته‌ی این اقوام دارد که تاکنون باقی‌مانده است. این رسم در بین کردها، لرها، بختیاری‌ها و قشقایی‌ها دیده می‌شود که در نواحی غرب و شمال غربی ایران سکونت دارند. در این میان، زنان اهتمام خود را بیشتر بر پوشاندن قسمت‌های بالا و پشت سر می‌گذارند و آن را از دید مخفی می‌کنند و در پوشاندن بخشی از گیسوان که، در طرفین صورت قرار می‌گیرند، اصرار چندانی ندارند.

۵. استفاده از روسری کلاغی

در بین اغلب اقوام ایرانی استفاده از روسری کلاغی بر روی بقیه‌ی اجزای سربند، برای محکم نمودن آن، در زمان فعالیت و کار مرسوم می‌باشد. به غیر از نواحی جنوب و جنوب‌شرقی ایران استفاده از روسری کلاغی در بین خراسانی‌ها، کردهای خراسان، ایل شاهسون، قشقایی‌ها و بختیاری‌ها دیده می‌شود.

۶. مشخصه‌ی تاهل زنان

در بین برخی از اقوام نشانه‌هایی نسبت به وضعیت تاهل زنان وجود دارد. نشانه‌هایی مانند استفاده از پیشانی‌بند و نیز پوشاندن دهان در زنان ترکمن و استفاده از قلاب در بین زنان جنوبی.

نقش و اهمیت لباس‌های بومی و سنتی ایران

ما در این شرایط ناهنجار ارزش‌ها و ضدارزش‌ها برای این که بتوانیم هویت، اصالت فرهنگی قومی و استقلال خود را در دنیا حفظ نماییم، نیاز به داشتن اطلاعات و آگاهی از تاریخ، زندگی و زندگی آب و اجداد خود هستیم. ما اگر بتوانیم وارد دنیای اصیل، ساده و بی‌آلایش فرهنگ و قومیت خود شویم، خواهیم توانست با استناد و آگاهی و با توجه به لباس‌های قومی، اصیل و سنتی خویش و با حفظ ارزش‌های مثبت خود و با توجه به شرایط زمانه، لباس متناسب با فرهنگ و ارزش‌های خود انتخاب نموده و همواره بر اصالت خویش پایبند و استقلال و هویت خویش را حفظ نمائیم و لباسی را برگزینیم که نشان دهنده و معرف فرهنگ و تمدن ما باشد.

هر کشوری برای خود آداب، رسوم، عادات، سنن و در مجموع فرهنگ خاصی دارد و برای حفظ آن‌ها تلاش می‌کند. بدیهی است که لباس و پوشاک با توجه به خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد یکی از نمونه‌های عینی و مجسم فرهنگ هر جامعه است و به عبارت دیگر همواره بخشی از فرهنگ هر جامعه در لباس‌های مردم آن جامعه متجلی می‌شود. لباس هر قوم و ملتی در اصل مشخص‌کننده‌ی شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و نشانه‌ای از پایبندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و ضمناً نشان‌گر علاقه‌شان به استقلال فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آن‌ها می‌باشد. لباس و پوشاک سنتی که مجموعه‌ای از کفش، البسه، کلاه و زیورآلات محلی می‌باشد، گنجینه‌ی پر بهایی است که هر ملتی وظیفه دارد از آن حفاظت کرده و آن را به نسل‌های بعدی بسپارد. سربند که بخشی از پوشاک اقوام ایرانی است از این مهم، مستثنی نیست گو این که، اگر تنها علت پیدایش سربند، خاصیت پوشانندگی آن می‌بود، مسلماً نیازی به تشکیل آن از اجزای متعدد و ترکیب نمودن آن‌ها جهت به‌وجود آوردن یک پوشش واحد و شکیل، پدید نمی‌آمد. در بررسی سربند زنان اقوام ایرانی، این موضوع همواره دیده شده

است که سربند آنان گاه، مشتمل بر سه الی چهار تکه است و زنان آن‌ها را مرحله به مرحله و بر روی یکدیگر به سر می‌افکنند و اشکال و ترکیب‌بندی‌های متنوعی را پدید می‌آورند که این مسئله اشاره‌ای است به کاربردی فراتر از پوشش محض و به عبارتی ایجاد ترکیبی زیبایی شناختی.

لازم به ذکر است که در استفاده از سربند توسط زنان اقوام ایران، همواره جنبه‌های تزئینی آن مورد توجه بوده است؛ وجود کلاهک‌ها و کلاه‌ها و پیشانی‌بندهای مزین به انواع زیورآلات، سکه‌ها و نیز روسری‌هایی با رودوزی‌های گوناگون گواهی بر این مدعاست. زنان از هر طبقه و با هر شأن اجتماعی، متناسب با استطاعت مالی خود، با سکه‌های طلا و یا با پولک‌های رنگین ارزان‌قیمت، سربندهای خود را می‌آرایند. به نظر می‌رسد که این، ناشی از احساس مشترک بین کلیه زنان، یعنی حس «زیبایی دوستی» است؛ بدین ترتیب با توجه به نوع آرایش و زیور سربندها، می‌توان به شأن و مرتبه‌ی اجتماعی زنان در هر قوم پی برد. سربند زنان در قومیت‌های مختلف ایران دارای، تنوع چشمگیری است. پوشش سر بانوان چنانچه گفته شد متشکل از اجزای مختلف است. که برخی جنبه‌ی کاربردی و برخی دیگر نقش آرایه را دارند و گاهی نیز اجزای سربند در ابتدا برای رفع نیاز خاص پدید آمده‌اند. اما پس از گذشت زمان، بانوان جهت آراستن آن اجزا، تمهیداتی در نظر گرفته و آن را به طرق مختلف می‌آراستند. عنوان مثال، آفتابگردان زنان قشقایی مطمئناً در ابتدا تنها وسیله‌ای برای حفاظت چشم‌ها و پوست صورت از آفتاب ایران در هنگام کوچ ایل بوده، اما امروزه، علاوه بر آنکه کاربرد اولیه و اصلی خود را نیز از دست نداده، از جمله زیورآلات زنان این ایل نیز محسوب می‌شود.

لازم است اشاره شود که در میان تمامی کشورهای جهان، تنها در ایران زمین می‌توان چنین تنوع چشم‌گیری را در لباس‌های سنتی و بومی مشاهده نمود، که دارای خود، اصالت و ویژگی‌های در خور توجهی هستند که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- داشتن تجانس و قرابت فوق‌العاده با فرهنگ جامعه‌ی ایران
- لباس‌های سنتی راحتی فوق‌العاده‌ای دارند و در عین حال که از قطعات متعددی تشکیل شده‌اند، اما برای انجام کارهای روزمره دست و پاگیر نیستند.
- لباس‌های سنتی ایران جملگی، لباس‌هایی کامل هستند و تمامی قطعات لباس زیاده‌اش مناسب و راحت، البسه زیر و رو، سرپوش، شال و کمربند و حتی زیورآلات متناسب با لباس و ... را دارا می‌باشند.
- زیبایی، تناسب و هماهنگی رنگ‌های دل‌نشین موضوعی است که به هیچ‌وجه در لباس‌های سنتی قابل انکار نمی‌باشد.
- تا گذشته‌ای نه چندان دور، تمامی مواد اولیه مصرفی جهت تولید لباس‌های سنتی و هم اکنون نیز بخشی از آن‌ها و حتی طراحی، دوخت، رودوزی و تزئینات مربوط به لباس‌های سنتی، توسط خود زنان انجام می‌گیرد، که در واقع به گونه‌ای ایستادگی در برابر مدهای خارجی و قطع وابستگی اقتصادی به آن‌ها می‌باشد.
- لباس‌های سنتی و محلی با توجه به خصوصیات هر منطقه، تولید می‌شوند و از نظر توجه به شرایط اقلیمی، لباس‌هایی مناسب برای آن مردم محسوب می‌شوند؛ به‌طوری‌که لباس‌های محلی مناطق گرمسیر، از قطعات کم‌تر و با پارچه‌هایی نازک‌تر و لباس‌های محلی مناطق سردسیر، از قطعات بیش‌تر و با پارچه‌های ضخیم‌تری تهیه می‌شوند.
- این لباس‌های محلی به عنوان تولیدی فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ، اشاعه و تعمیم مبانی ارزش‌های اسلامی - ایرانی داشته و می‌تواند بهترین معرف برای فرهنگ غنی و بارور کشورمان در آن سوی مرزها و در نزد همه‌ی

ممالک جهان باشند. به همین جهت هر نوع اقدام جهت حفظ و پویا نگه داشتن لباس های سنتی و بومی ایران نیز می تواند به عنوان تلاشی در جهت به ثمر رساندن این رسالت عظیم باشد.

مهمترین عناصر شکل گیری و تحول پوشاک محلی

لازم است اشاره شود که در شکل گیری، ترکیب و پیدایش پوشاک محلی هر قومی عوامل مختلفی دخالت دارند که عمده ترین آن ها به شرح زیر می باشد:

۱. مذهب

مردم و عشایر ایران معتقد به دین اسلام بوده و هر یک از احاد جامعه، کلیه اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی و حتی ظاهر و پوشاک خود را با موازین و دستورات آن هماهنگ و منطبق می کنند و با توجه به خط مشی و دستورات دین اسلام و به طور فطری لباس محلی آنان در ایران جملگی شامل پیراهنی بلند، گشاد و راحت است، که اغلب از پارچه هایی ضخیم دوخته شده و پوشیدگی و راحتی لازم را نیز دارد؛ که البته به همراه این پوشش عموماً در جوامع سنتی و ایللی زنان به جای روسری و مقنعه رایج در شهرها، از سرپوش یا لچک برای پوشش موهای سر خود استفاده می کنند که آن ها نیز پوشیدگی لازم را برای پوشاندن سر و موهای زنان دارد.

۲. شرایط و عوامل طبیعی

عمده ترین جنبه کاربردی پوشاک، علاوه بر بعد مدنی، پوششی آن حفاظت تن در مقابل عوارض آب و هوایی و نیز خطرات و تماس های ناشی از فعالیت های روزمره است. ضمناً لبا پوشاک، تنوع آن، جنس و نوع پارچه ای به کار رفته در پوشاک، حتی تعداد و بلندی و کوتاهی آن در هر منطقه ای با وضعیت و شرایط و عوامل طبیعی منطقه ای مطابقت دارد؛ به طوری که در هر فصلی از سال پوشاک ویژه ای مورد استفاده قرار می گیرد و اساساً بلندی و کوتاهی لباس و رنگ آن در ارتباط مستقیم با نوع آب و هوای هر منطقه می باشد و همین اصل باعث شده که در اقصی نقاط ایران پوشش های متنوعی ایجاد شود. البته لباس های سنتی در قالب کاربردی آن ها عمدتاً ساده و بی پیرایه است و فقط به جنبه ای کاربردی آن ها توجه می شود؛ به عنوان مثال چوپان ها، برای حفاظت خود در مقابل باد، باران، برف و سرما، حتی تابش شدید نور خورشید، از پوشش های نم دین استفاده می نمایند و در مناطق کوهستانی نیز که هوا سرد و متغییر است به حفاظت خود در مقابل سرما از پوشاک پشمی استفاده می کنند منتهی به مقتضای هر فصل بر تعداد پوشاک افزوده یا از آن کاسته می شود و یا در کوهستان های خشک رنگ لباس خود را طوری انتخاب می کنند که تضاد شدیدی با رنگ محیط داشته باشد تا از فاصله دور هم قابل رویت و کنترل باشد.

۳. نوع معیشت و فعالیت های جنبی تولید

نوع معیشت و فعالیت های مردم هر منطقه در کیفیت و شکل ظاهری و تعداد قطعات پوشاک مردم آن منطقه نیز تاثیر مستقیم دارد، زیرا اولاً بیشتر مواد اولیه ای که در پوشاک بومی و سنتی منطقه به کار می رود از تولیدات محلی تامین می شود و ثانیاً نوع فعالیت مردم نیز پوشاک ویژه ای را می طلبد. بنابراین مردمی که به دامداری مشغول هستند، مواد اصلی و اولیه پوشاک آن ها را پشم یا لباس های نم دین و یا پوست و غیره تشکیل می دهد. ضمناً گشاد یا چسبان بودن لباس و ضخیم یا نازک بودن آن نیز با شیوه ی معیشت و زندگی و کار مردم هر منطقه تناسب دارد؛ به عنوان مثال دامداران معمولاً جوراب های پشمی

ضخیم و کلاه‌های پشمی و نم‌دین و کفش‌های پوستی می‌پوشند. البته این اصل بیشتر در مورد پوشاک مردان معمول است و در مورد پوشاک زنان معمولاً چنین نیست و بخشی از درآمد خانواده صرف خریدن پارچه برای پوشاک زنان می‌گردد.

۴. منزلت‌های اجتماعی

همان‌طور که تنوع پوشاک مناطق مختلف ایران علامت و نشانه‌ی خاصی برای معرفی آنان است جنس، رنگ و شکل لباس و زیورآلات مربوط به آن نیز به پوشنده‌ی لباس منزلت و یژه‌ای می‌بخشد. زیورهای زنان به ویژه در گذشته پشوانه‌ی اقتصادی مهمی برای هر خانواده محسوب می‌شد. در نتیجه مردان ترجیح می‌دادند که بیشترین پس‌انداز خود را تبدیل به زیورهای گران‌قیمت نمایند، زیرا علاوه بر اینکه برایشان یک پشوانه‌ی اقتصادی بالارش بوده و هر زمان که مایل بودند به راحتی قابل تبدیل به پول نقد بود، بیان‌گر منزلت اجتماعی شخص و خانواده‌ی او نیز محسوب می‌شد.